

یاد رفیق فقید احمد قاسمی را گرامی بداریم

هرگز نپسرد آنکه دلش زنده شد به عشق



یکسال از درگذشت رفیق انقلابی ما احمد قاسمی میگذرد، یکسال جنبش مارکسیستی - لنینیستی میهن ما از ظم توفان، اندیشه، انقلابی، تجارب، کربانهای او محروم است. اینک که ما بار دیگر یاد او را زنده میداریم نه بمنظور شناختن است بلکه تجلیل از رفیق فقید ما برای پرتوافکندن به وظایف ماست، برای آموختن از روحیه، بیکارگر، ایمان انقلابی، اعتقاد عمیق او به نیروی خلق توده هاست. ما وظیفه داریم از او و نه تنها از او بلکه از تمام کسانی که در راه آرمان طبقه کارگر ایران و خلق قهرمان ما جان باختند یاد نمائیم و فراموش نکنیم که تمام مرگها مساری نیستند و یکسان ارزشمند نمی باشند. همه کس میبیرد، ولی مرگ یکی ممکن است سنگینتر از کوه تایی و مرگ دیگری سبکتر از پرکو باشد. ما از این مبارز کونیست یاد میکنیم تا نقش تاریخی او را در جنبش کونیستی ایران برای آموزش نسل جوان، پویندگان راه مارکسیسم - لنینیسم ترسیم کرده باشیم، ناهمه باهم از آن الهام گیریم و متحد تر و مصمم تر علیه دشمنان خلق های قهرمان ایران بمبارزه بی امان بپردازیم.

زندگی رفیق قاسمی زندگی سازمانی بود، چه آنوقت که در رهبری حزب توده ایران برای تحقق خواستهای طبقه کارگر ایران جای داشت و چه بعد از آن که بعزت تغییر ماهیت حزب توده ایران به صف مارکسیستها - لنینیستها پیوست و نقش ارزنده ای در تأسیس سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان ایفا نمود. رفیق قاسمی صمیمانه معتقد بود که "سیاست اصولی یگانه سیاست صحیح است" و تادم مرگ از این اصل چشم نمپوشید. آنگاه که رهبری حزب توده ایران به روزیونیسم گرائید، وی در موضع مارکسیسم - لنینیسم باقی ماند و از تهدیدات و خطراتی که او را تهدید میکرد نهراسید، از قدرت عدوی روزیونیسما، از سایه شوم روزیونیسماهای شوروی که بر بالای سر حزب سنگینی میکرد هراسی بدل راه نداد. بعد از آنکه پلنوم یازدهم برخط مشی روزیونیسما صحنه گذاشت و سرانجام مشی نادرست و ضد انقلابی رسمیت یافت رفیق قاسمی به همراه دوتن دیگر از اعضا "کمیته مرکزی پرچم مبارزه با آن مشی ضد انقلابی را برافراشت و در اعلامیه ای که هر سه نفر در شهریور - ماه ۱۳۴۴ صادر کردند آوردند:

"هیچ قید و بند بوروکراتیکی نمیتواند و نباید ما را از اقدام جسورانه و بندگسل در راه احیای حزب انقلابی توده ایران باز دارد. باید با مغرور خود و باتکیه بر عمل نهضت انقلابی ایران و جهان کار کرد. باید بابتکار توده مردم در یافتن راههای متنوع مبارزه میدان داد. . . . مایقین داریم که رژیم شاه و هر رژیم دیگر دست نشانده امپریالیسم سرانجامی جز شکست رسوا نخواهد داشت و این شکست نصیب کسانی نیز خواهد شد که با انتخاب خط مشی غیرانقلابی و اپورتونیستی از مبارزه انقلابی با این رژیم باز ایستاده اند." رفیق قاسمی برای ادامه مبارزه انقلابی، بخاطر محو حرمانهای بی پایان، ستم های بیرون از حد به طبقه کارگر و خلق قهرمان ما، در حالیکه فاقد سند قانونی بود و وسیله امرار معاش بود، در زیر سایه شوم تعقیب پلیس بین الملل بمجاسوسان ساوا و روزیونیسما مهاجرت را ترک گفت و تمام نیروی خود را در راه احیای حزب طبقه کارگر ایران صرف کرد، رفیق قاسمی چون شمع سوخت تا در پرتو آن راه پیروزی انقلاب آتی ایران روشن شود. درود بی پایان ما بر او باد.

زندگی قاسمی زندگی یک کونیست شایسته، زندگی انسانی از سرشت ویژه و با مصالحی خاص پرش یافته بود. او از نام پرافتخار عضویت در حزب به احترام یاد میکرد و میکوشید صفوف حزب را از دشمنان سوگند خورده طبقه کارگر مصون و محفوظ نگاهدارد و در این راه از هیچ فداکاری دریغ نداشت. بی جهت نبود که او هرگز به گزارش محرمانه، خروشچف در کنگره، بیستم پاور نکرد و خاطره تابناک رفیق استالین را فراموش ننمود، علیه مشی ضد انقلابی شوروی بمبارزه برخاست. اقدام مخالفین مشی روزیونیسما یک اقدام تاریخی، یک اقدام دلیرانه است که آنرا با هیچ سفسطهای نمیتوان پوشانید. در زمانیکه مهد سوسیالیسم به منجلاب روزیونیسما میخلطد و کپوتین تهدید و ارباب بریالای سرهنه خود نمائی میکند، در دریائی از نیروی دشمن، اخذ تصمیم اهمیت دوچندان پیدا میکند. رفیق قاسمی نیز این مسئولیت خطیر خود را شناخت و

بقیه در صفحه ۲

مظاهر فقر در تهران

بیافکنید؟ اگر در تهران هستید احتیاج نیست که به جنوب - شهر بروید در هر جای تهران هم همین نتیجه خواهید رسید که کجای ایران فقر نیست؟

یگانه ارباب تهران را نمونه بگیریم: تهران بزرگترین و فعالترین شهرهای ایران است. بزرگترین سرمایه ها در این شهر به کار انداخته شده اند. اکثریت "صنایع" ایران در این شهر متمرکز است. تهران آبادترین شهر ایران است و دولت نیز بیش از همه شهرهای دیگر به تهران لطف دارد و به این شهر رسیدگی میکند. شاید به این منظور که "برنامه های اجتماعی دولت اقل در تهران پیاده شده و در این شهر بگرفرد دیده نشود؟ انتظار بهبودهای است. فقر و مسکنت در همه جای تهران هست: در طول خیابانها، در چهارراه ها، در داخل اتوبوسها، در جنوب شهر، در شمال شهر، در مرکز شهر و بالاخره در هر جایی که تصور شود فقر به صور مختلف و گاهسی هم به وقیحانه ترین و وحشیانه ترین نوع خود تظاهر میکند.

علت فقر را باید در سیاست چپاول توده های وسیع خلق توسط امپریالیست ها و مزدوران محلی آن جستجو کرد. این سیاست موجب ورشکست شدن کامل توده های دهقان و خرده بورژوازی شهری شده و آنها را به صفوف "سپاه بیکاران" سوق میدهد. رژیم کودتا از این "سپاه بیکاران" برای مقاصد ضد خلقی خود و از جمله پائین نگاه داشتن ارزش نیروی کار، اعتصاب شکنی، سازمان - دادن نیروهای اختناق و غیره استفاده میکند. قشری از این "سپاه بیکاران" برای امرار معاش بسوی

جل الخالق، چه معجزاتی و عجب روزگاری! عجیب تر آنکه دو هزار و پانصد سال می بایست سیری میشد تا یک چنین روزگاری فرارسد، تا تحصیل برای همه رایگان شود، دانش - آموزان سراسر ایران مجاناً تغذیه شوند، بهداشت برای عمو مردم مجانی شود، دهقانان مالک شوند، کارگران سرمایه - دار شوند، کودکان کشور سیر شوند، درآمد سرانه ایرانی معمر به فلک بزند، دیگر در ایران کسی از گرسنگی نپسرد و . . . البته همه اینها "گوشه های از نتایج انقلابات شاهانه باشند؟! شاید اگر کسی در داخل مرزهای این ویرانه، دو هزار و پانصد ساله نباشد این لطافت را باور کرده و در پیش خود از آمریکا تشکر کند که با صرف نوزده میلیون دلار در عرض یک روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توانست شاه فراری را به تخت بازگرداند تا با این وسیله ایران را از قرن ها بدبختی و عقب ماندگی بیرون بکشد؟! ولی برای کسی که در درون چهار دیواری این ماتمکده متعلق به خاندان مغرور پهلوی زندانی است، دروغهای تبلیغاتی بیشرمانه رژیم حقیقت نفرت انگیز زندگی شکست خورده مردم ایران را نفرت انگیزتر میکند.

یک لحظه از اتوبیلهای آخرین سیستم که متعلق به یکی از مکنده های این هشت پای خون آشام که امپریالیسم جهانی نام دارد چشم بردارید و نظری به گوشه و کنار تهران بیارید و یا هر شهر دیگر ایران ببینید از این لحظه های آپارتمانها آخرین مدل که اکثر آنها سگهای یاسبان رژیم محنت بار پهلوی تعلق دارند چشم بردارید و به اطراف همان آپارتمانها نظری

یاد شهیدان

چهاردهم بهمن، روز شهادت دکتر ارنی در زندان رضاشاه، روز شهیدان است، روزی است که ما هرسال به روان پاک شهیدان راه آزادی و استقلال ایران، شهیدان راه طبقه کارگر ایران درود میفرستیم.

سراسر تاریخ ننگین دودمان پهلوی بر است از آزاد - مردانی که بفرمان شاه در سیاهچالهای زندان، در میدانها اعدام، در زیر شکنجه، در تظاهرات، اعتصابات و مبارزات خیابانی برخاک افتاده اند. سیاهه این شهیدان از شمارش بیرون است و هفته ای نیست که نامهای جدیدی بر لوح افتخار شهیدان افزوده نگردد. ما در برابر همه آنها، چنانچه که ناشان برسوزنیهاست و چه آنهایی که گننام جان باخته اند سر تعظیم فرود میآوریم. برای ما مهم اینست که آنها بخاطر چه رمانهایی جان خود را نثار کرده اند. ما بیزاریم از اینکه نام قربانیان رژیم را وسیله ای برای تبلیغات بسود خویش و از آنها بدتر وسیله مبارزه سیاسی قرار دهیم.

مارکس در اثر جاودانی خود، "جنگ داخلی در فرانسه" توضیح میدهد که چگونه دولت ورسای میخواست که کون پاریس سراسقف پاریس را که به گروگان گرفته بود بعنوان مقابله بمشکل در برابر اعدام های جمعی اسیران توسط دولت ورسای، اعدام کند. برای دولت ورسای زند "سراسقف پاریس" سودی نداشت. مرده او بود که میتواند وسیله ای برای تبلیغات در سراسر اروپا بسود دولت ورسای و طبعه رزمندگان کون قرار گیرد. در اردو سته "کمیته مرکزی نیز دست کمی از دولت ورسای ندارد.

چه نااهل مردمانند که رفتگان را وسیله مبارزه سیاسی قرار میدهند! چه زبون مردمانند که رفتگان را وسیله کسب افتخار قرار میدهند! این مردمان که با پشت کردن به آرمانهای طبقه کارگر در برابر تاریخ سر فکند و نه "سرافراخته"، میکوشند با سوء استفاده از نام شهیدان برای خود آبرویی دست و پا کنند. در اردو سته "کمیته مرکزی" چه کند که برای کسب آبرو به نام شهیدان نیآویزد!

ما در عین آنکه خاطره شهیدان - همه شهیدان - را گرامی میداریم به آن آرمان والا، به آن هدف عالی که در راه آن جان خود را نثار کرده اند می اندیشیم. ما به این آرمان والا، به این هدف عالی پیوسته وفادارماندیم و وفادار خواهیم ماند.

ما در مرگ شهیدان شمایل نمیکرد انیم، مرثیه خوانسی براه نمی اندازیم، ما راه شهیدان را می پوئیم، از آنها الهام میگیریم تا در راه تحقق آرمانهای بزرگ آنها - در راه آزادی و استقلال ایران، در راه رهائی از ستم ملی و طبقاتی - گامی ولو کوچک برداریم، سهمی ولو ناچیز از آنیم. جاودان باد خاطره دکتر تقی ارنی! تابناک باد روان پاک شهیدان! ننگ و نفرت بر رژیم مردم کش شاه!

ده سال پیکار خلق فلسطین

شلیک نخستین گلوله فدائیان فلسطین در وانوسه ۱۹۶۵ در واقع صدای خلق فلسطین بود که بگوش جهانیا ن میرسید. حاکی از این بود که خلق فلسطین علی رغم اینکه از خانه و زادگاه خود رانده شده موجودیت خود را از دست نداده و برای بازگشت به مرزبوم خود میروزد، حاکی از اینکه خلق فلسطین را نمیتوان تحت عنوان "آوارگان" یا "پناهندگان فلسطین از حقوق ملی خویش محروم ساخت. و بالاخره حاکی از اینکه تازمانی که خلق فلسطین سرزمینهای از دست رفته خود را بازستانند خاور نزدیک روی آرامش

سلام برادرانه ما به زندانیان سیاسی!

ده سال پیشکار... بقیه ازصفحه ۱ نخواهد دید .
 از آنزمان تاکنون خلق فلسطین در مبارزه با دشمنان
 امپریالیست و صهیونیست تنها در صحنه نبرد مسلح بلکه
 در زمینه سیاسی نیز به گامیابیهای بزرگی نائل آمده است .
 در اکتبر گذشته کنفرانس سران کشورهای عرب در ریاض طوسی
 قطعنامه‌ای سازمان آزاد بیخش فلسطین را بمنابه یگانه نمایند
 همه خلق فلسطین اعلام و تاکید کرد که خلق فلسطین باید به
 میهن خویش بازگردد و سرنوشته خود را بدست خود گیرد .
 بدنبال این کنفرانس در ۲۲ نوامبر گذشته سازمان ملل متحد ،
 سازمان آزاد بیخش فلسطین را بعنوان یگانه نماینده خلق
 فلسطین برسمیت شناخت ، حق خلق فلسطین را در تعیین
 سرنوشته خود ، در استقلال و حاکمیت خود پذیرفت . این
 سازمان آزاد بیخش فلسطین دعوت کرد که بعنوان ناظر درجلسا
 و فعالیت سازمان ملل متحد شرکت جوید . خلق فلسطین
 همراه با دیگر خلق های عرب ، پس از ده سال مبارزه توانست
 شخصیت خود را در مقامیاس جهانی نشان دهد و دولت توسعه
 طلب واشغالگر اسرائیل را از لحاظ سیاسی به انفراد کامل بکشد .
 در حواشی که در منطقه خاور نزدیک روی داده و میدهند
 مسئله خلق فلسطین - خلقی که توسط نیروی اشغالگر ایتالی
 به امپریالیسم آمریکا از سرزمین خویش رانده شده و برای بازگشت
 به میهن خود بیگانه میکند - مسئله مرکزی است . بدون اعاده
 حقوق حقه خلق فلسطین استقرار صلح و آرامش در این منطقه
 امکان پذیر نیست . وجود دولت اسرائیل ، دولتی توسعه
 طلب ، تجاوزکار ، اشغالگر همواره کانونی برای جنگ و ناامنی
 و آوارگی است ، کانونی است برای ریزش آزادی و استقلال
 خلق های این منطقه ، برای توسعه نفوذ امپریالیسم و سوسیالی
 امپریالیسم شوروی و فارت ثروتهای این منطقه .

دولت ساختگی اسرائیل پس از پایان جنگ جهانی دوم
 بادست امپریالیسم برای صیانت و بسط منافع خود و جلوگیری
 از انقلاب آزاد بیخش خلق های منطقه زاده شد . امپریالیسم
 با سخاوت تمام بخشی از سرزمین فلسطین را بدولت اسرائیل
 واگذار کرد . اما دولت اسرائیل از همان آغاز تا سیمین با زور
 اسلحه ، با انواع خنده و نیرنگ بیوسته سرزمین اشغالی خود را
 توسعه بخشید و خلق فلسطین را هرچه بیشتر از سرزمین باستان
 و از کانون خانوادگی خود راند و بصورت " آوارگان " و " پنا-
 هندگان " فلسطین درآورد . این وضع نمیتوانست دوام یابد .
 هیچ خلقی را نمیتوان با زور و جبر از میزبوم آبائی و اجدادی
 بیرون راند ، از حقوق ملی محروم ساخت . دولت اسرائیل
 بیپوده می پنداشت که با تکیه بر امپریالیست ها و بویژه امپریا-
 لیست های آمریکائی میتواند سرزمین خلق فلسطین را در اشغال
 خود نگاه دارد و آنرا به طفیل سرزمین کشورهای عربی دیگر
 گسترش دهد . مقاومت سرسختانه خلق های عرب و بویژه
 خلق فلسطین رویای خوش دولت اسرائیل و حامیان آمریکائی او را
 درهم ریخت .

دو ابرقدرت آمریکا و شوروی در همکاری خود برای خفه
 کردن نهضت آزاد بیخش فلسطین بیپوده کوشیدند خلق
 فلسطین را از سر راه بردارند . آنها قطعنامه ۲۴۳ را به
 شورای امنیت تحمیل کردند که در آن اشاره ای هم به حقوق ملی
 خلق فلسطین نیست ؛ آنها طرح راجرز را آفریدند و در آن خلق
 فلسطین را عمدتاً بدست فراموشی سپردند . امپریالیسم شوروی
 رزیدگان خلق فلسطین را با عناوینی مانند " ماجراجو " ،
 " مقام غیرمسئول " تحقیر میکرد ، پیشنهاد ایجاد دفتر سازمان
 آزاد بیخش فلسطین را در مسکو رد کرد . اما تصام مسامی دو
 ابرقدرت برای نادیده ماندن خلق فلسطین با شکست مواجه گردید
 با پیروزیهایی که در عرصه سیاسی و نظامی نصیب سازما
 آزاد بیخش خلق فلسطین شده ، اکنون همه در میابند که خلق
 فلسطین را نمیتوان نادیده گرفت ، او را از سرزمین و حقوق ملی
 خود محروم ساخت و تازمانی که دولت اسرائیل به موجودیت
 خود ادامه میدهد آرمانهای ملی خلق فلسطین به تحقق
 در نخواهد آمد . با سرعفات ، رهبر خلق فلسطین در سخنرانی
 خود از پشت تریبون مجمع عمومی سازمان ملل متحد صریحاً
 اعلام داشت که خلق فلسطین را با یهودیان سردشمنی نیست
 و مسئله فلسطین مسئله نژادی نیست ، مسئله ای ملی است .
 هدف خلق فلسطین ایجاد یک دولت دموکراتیک مستقل و آزاد

یاد رفیق فقید احمد قاسمی ... بقیه ازصفحه ۱
 دریاخ به نام . . . ۱۰ سپتامبر ۱۳۳۰ بوری موقت کمیته مرکزی مبنی بر اظهار نظر در مورد اختلافات موجود در جنبش کمونیستی و موضع
 گیری بوری موقت کمیته مرکزی حزب توده نوشت :
 " اختلافاتی که امروز در جنبش کمونیستی و کارگری جهان روی داده اختلافاتی اصولی است . مربوط به استراتژی عمومی جنبش
 است . در سرنوشته سوسیالیسم دارای تأثیر قطعی است . وظیفه هر مارکسیستی و هر حزب مارکسیستی است که این اختلافات را با
 دقت کامل غوررسی کند ، درست را از نادرست باز شناسد ، با صداقت و صراحت کامل در جانب درست قرار گیرد و برای آن مبارزه کند . هیچ
 صلحتی بالاتر از صلحت اصول نیست .
 فتوای هیچ اتوریته ای نمیتواند وظیفه فوق را از دوش هیچ فردی و هیچ حزبی بردارد . فقط در صورتی که مارکسیستهای جهان
 این وظیفه را بوجه شایسته انجام دهند میتوان جنبش جهانی کمونیستی را در شاهراه مارکسیسم - لنینیسم نگه داشت . وحدت اردو-
 گاه سوسیالیستی و وحدت احزاب برادر را حفظ کرد و به پیروزی رسانید . بنظر من بوری موقت کمیته مرکزی حزب توده ایران ایسن
 وظیفه را انجام نداده است ."

درگذشت رفیق قاسمی موجدی از احساس همدردی و تاثر در بین انقلابیون جهان و ایران بوجود آورد ولی مایه شادی و یابگری
 روزیونیستها و تمام عناصر ضد انقلابی گشت . آن روز ، روز بزم اردوگاه ضد انقلاب بود . شاه جلال و دارودسته خائن کمیته مرکزی
 بیگانه خوشحال گشتند . آنها قهقهه مستانه زدند و به دست افشانی پرداختند زیرا پنداشتند که دیگر تمام شد و دنیا بگام شد .
 ولی غافل از اینکه میراث رفیق قاسمی ، نسلی مؤمن و معتقد به مارکسیسم - لنینیسم اندیشه مائوتسه دون است و از مرگها نرسد و
 میگیرد و سرانجام پیک محکم خویش را بر فرق تمام خائنین و مرتجعین فرود میآورد . اینان را از سرنوشته محتوشان رهائی نیست و ما را
 از مبارزه بی امانان علیه شاه ، امپریالیستهای آمریکائی و روسی و عالیشان اعراضی نمیتواند باشد .
 یکسال از درگذشت رفیق انقلابی احمد قاسمی میگذرد . سالی که ملو از تشدید مبارزه طبقاتی و ملی ، سالی که ما چون کوه
 در قبال حملات مرتجعین ایستادگی نمودیم و دستاوردهای سازمانی خود را همچو مردی که دیده حفظ و حراست کردیم . بازسالیهای
 دیگر در پیش است و مشکلات بسی سخت تر ، ما با الهام از اصولیت ، پیگیری ، جسارت و شهامت رفیق قاسمی در راهی که او بسا
 نشان داد گام خواهیم زد و توطئه های مشترک امپریالیستها و روزیونیستها را افشا خواهیم نمود .

رفیق قاسمی در زمین نهضت کارگری بدرافتنی کرد و اگر تا فرارسیدن دوران درو هم ده سال بطول انجامد باز بیپوده
 نخواهد ماند . سرانجام حزب طبقه کارگر در عرصه ایران احیا خواهد گشت و انقلاب ایران از طریق مبارزه مسلحانه توده های
 رهبری حزب طبقه کارگر ایران به پیروزی منتهی خواهد شد .
 از مبارزه رفیق فقید خود الهام گیریم و به توان مبارزه خود علیه حکومت مغرور پهلوی بیفزاییم ، در افشا روزیونیستها و اعمال
 خائن وطنی آنها از ای نشینیم و نقاب زورخانه آنها را از چهره شان بدریم . مبارزه خود را علیه امپریالیسم آمریکا و روسیه تشدید
 کنیم ، وحدت همه مارکسیست - لنینیست ها و احیا حزب در عرصه ایران را مقدس ترین وظیفه خود بشماریم . آنگاه است که
 از مرگی زندگی نوینی آفریده ایم .

مظاهر فقر... بقیه ازصفحه ۱
 "مشاغل" بسیار کم درآمد
 روی میآورد . این " مشاغل " را نمیتوان از بیکاری تمیز داد و از
 این جهت است که آنها " بیکاری پنهان " می نامند . درآمد این
 قشر بقدری کم است که افراد آن عموماً با فقری تاثر انگیز دست
 به گریبانند و به همین دلیل است که " شغل " آنها هر نامی
 داشته باشد ، آن نام مترادف مفهوم فقر است .
 اشکال ظهور فقر ممکن است متنوع باشند ولی محتوی آن
 واحد است : فقر !

متد اول ترین نظاهرات فقر کثافتی عیان است . در هر
 گوشه و کنار ، تن رنجور و کثیف با بوهای زولیده دیده میشود که
 از حال زار و کینه تپنی و شکم خالی حکایت میکند . جوانان -
 رنگ پریده های دیده میشوند که به مواد مخدر معتادند و تمام
 زندگی خود را در این راه از دست داده اند و اکنون برای خرید
 حشیش یا هروئین گدائی میکنند .

اگر در خیابانهای تهران راه میروید ، به احتمال قوی کت
 مرد یازنی جوان ، بالاسهای مرتب مخاطب قرار میگیرید که
 محترمانه از شما تقاضای چند ریال میکنند که برای مسافرت از این
 نقطه شهر آن نقطه شهر یا چیزهای دیگر لازم دارند . البته
 بارها متذکر میشوند که گدا نیستند !

مادرهائی را می بینید که در گوشه و کنار خیابانها بسا
 چند بچه گد و نیم گد گدائی میکنند .
 فروختن بلیط بخت آزمائی نیز نوعی گدائی شرافتمندانه
 است . زنان جوانی را می بینید ، در حالیکه فرزند خود را در
 آغوش دارند و از غم و وضع خوبی هم بهره مندند ؛ بلیط فروشی
 میکنند . اینها در زیر کسائی هستند که در اثر استشار و خشیانه
 امپریالیستها " سقوط " کرده اند . آنها در روزاز جمله افراد تقریباً
 مرفه و با مرفه بودند که امروز با فروش بلیط امرار معاش میکنند .
 فروختن بلیط در تهران از جمله رایج ترین " مشاغل " محسوب
 میشود . برای فروش بلیط هزاران نفر از خرد و کلان ،
 پیر و جوان ، زن و مرد در تمام نقاط شهر تهران شدیدا فعالیت
 میکنند . آنها برای تا " مین لقه " نانی برای خود و خانواده شان
 در همه جا کمین میکنند ؛ در سر چهارراه ها ، در گردشگاهها ،
 در داخل اتوبوسها و ... و برای فروش بلیط خود به هزار
 حيله متوسل میشوند .

در داخل اتوبوسها نوازندگان و خوانندگان در هر گرد ،
 " هنرنمندان " و لکرها و کارگران معیوب زیاد دیده میشوند . کارگری
 که چشم ، پا ، دست ، انگشتان

بهره در صفحه ۳

است که در آن همه یهودیان ، مسیحیان و مسلمانان از حقوق
 مساوی بهره مند گردند . دولت اسرائیل چنین دولتی نیست
 و نمیتواند باشد .
 امپریالیست های آمریکائی و شوروی که به موقعیت
 استراتژیک و ثروتهای منطقه چشم دوخته اند سالهاست در
 حفظ وضع موجود " نه جنگ نه صلح " میکوشند . آنها هر دو در
 تقویت اسرائیل بایکدیگر همکاری میکنند : امپریالیسم آمریکا به
 اسرائیل کمک نظامی میدهد و اتحاد شوروی کادرهای علمی و
 فنی و نظامی آنها را تأمین میکند . آنها هر دو کشورهای عربی را باز
 میدارند که از طریق توسل به اسلحه به وضع موجود خاتمه دهند .
 آنها در همین حال بر سر توسعه نفوذ هر چه بیشتر خود در این
 منطقه بایکدیگر رقابت میورزند . سوسیال امپریالیسم شوروی که
 طی سال گذشته در برابر آمریکا چارناگامی هائی گردید و در
 بی نیرنگیهای تازه ای است تا شکست خود را جبران کند . تغییر
 روش دولت شوروی در قبال سازمان آزاد بیخش فلسطین از همین
 جا ناشی میشود چنانکه نوکران ایرانی آنها نیز در برخورد خود
 به سازمانهای چریکی ایرانی تجدید نظر کرده اند . همه اینها
 بخاطر آنست که " منافع خود را " در این منطقه تأمین کنند .

ایگوری لیاچف مفسر روزنامه " پراودا " در مصاحبه ای با مخبر
 روزنامه " النهار " صاف و پوست کنده میگوید : " ما تمام مسامی
 ممکن را برای برقراری صلح عادلانه در خاور میانه بکار میبریم
 اما ما نمیتوانیم بپذیریم که این صلح به طفیل منافع اتحاد شوروی
 برقرار گردد . این مهمترین نکته ایست که مادر مسکو بر روی آن
 اصرار میورزیم " . این آقای مفسر با کمال صراحت اعلام میدارند که
 تا منافع آژندانه تزارهای کرطین در این منطقه تأمین نگردد
 آنها به استقرار صلح رضایت نخواهند داد .

در مقابل با چنین اهریضاتی خلق فلسطین مانند همه
 خلق های جهان باید هوشیاری خود را از دست ندهد . آزادی
 خلق فلسطین نه بانکیه بریکی از دو ابرقدرت بدست خواهد آمد
 و نه با میانجیگری هر دو ی آنها . تنها جنگ توده های میتواند
 حقوق حقه خلق فلسطین را به هر دو ابرقدرت و صهیونیسم
 بقبولاند ، سرزمین های غصب شده را به خلق فلسطین باز
 گرداند و به تشکیل دولت دموکراتیکی که در آن مسلمانان و
 یهودیان از حقوق مساوی برخوردار باشند ، جاه عمل
 بپوشاند .

رویزیونیسیم و زن

هفته نامه شوروی "نولیا" مورخ ۱۲-۱۹۶۸ از تامل اکثریت مردان شوروی سخن می‌آورد به اینکه زنان به فعالیت خود در تولید پایان دهند. مردان برآنند که بهتر است زن در خانه بماند و سپس اضافه میکند:

"در واقع هم در مرحله اقتصادی گوتی شاید منطقی تر باشد که به زن آزادی داده شود که در خانه نزد فرزندانش بماند هفته‌نامه درتا بید ضرورت این امری افزایش:

"بنظر می‌رسد که طی نخستین دهه کشور ما به شرکت زن در تولید نیازمند بود. امروز چنین نیازی وجود ندارد."

خانم کیچنوا مینویسد:

"زن امروزی فقط کارگر نیست فقط مبارز اجتماعی نیست، در عین حال خانه داری است، همسر است. بطوریکه را بگوئیم که شوهر در برابر اخلاق زن پس از کار، در برابر اینکه آیا او را تمسک شاداب، دلاویز و آرام خواهد دید یا خسته و گرفته بی تفاوت نماند و درست همین امر نشانه تفاوت اغلب مردان است که برای خانواده بهتر آنکه زن کم کار کند یا بهیچوجه کار نکند."

حال به بینید انگلس، لنین و استالین چه می‌گویند:

"آزادی زن، برای او یا مرد غیر ممکن است، غیر ممکن خواهد بود تا زمانی که زن در خارج از کار تولیدی اجتماعی باقی خواهد ماند و خود را به امور خانه داری محدود خواهد ساخت آزادی زن تحقق نخواهد پذیرفت مگر زمانی که او بتواند بطور وسیع در مقیاس تمام جامعه در تولید شرکت جوید، زمانی که فقط بخش ناچیزی از وقت خود را به امور خانه اختصاص دهد." (انگلس)

برای تحقق آزادی کامل زن و دست یافتن به تساوی واقعی و بامرد باید اقتضای اجتماعی وجود داشته باشد و زن در کار مشترک تولید شرکت جوید. (لنین)

زنان زحمتکش - کارگران و دهقانان - ذخیره عظیم طبقه کارگرند. این ذخیره نمی از اهالی رانشکیل می‌دهد. سرنوشت جنبش پرولتری، پیروزی یا شکست انقلاب پرولتاریائی، پیروزی یا شکست دولت پرولتری وابسته به این است که ذخیره زنان برله طبقه کارگر خواهد بود یا بر طبقه آن. از اینجهت نخستین وظیفه پرولتاریا و گردان پشاهانگ آن، حزب کمونیست که برای بیرون کشیدن زنان کارگر و دهقان از زیر نفوذ بورژوازی، برای تربیت سیاسی و تشکیک زنان کارگر و دهقان در زیر پرچم پرولتاریا مبارزه قاطعی دست زنند. (استالین)

این کار یکانور هم از نشریه "هوریزونت" شماره ۴۹ (۱۹۷۴) منتشره در جمهوری دموکراتیک آلمان گرفته شده است و استحکام خانواده "سوسیالیستی" و تربیت "سوسیالیستی" را در کشور "سوسیالیستی" بلغارستان نشان می‌دهد:



اگر دردت آن اتومبیل را بماند به نکند عشق زیبای ما را در هم خواهد شکست.

ویارکس مینویسد: "خانواده" گوتی بورژوازی برجسته استوار است؟ بر اساس سرمایه و منافع خصوصی. (مانیفست)

طبقه کارگر... بقیه از صغه" از این طریق خواهند توانست چرخ جامعه را بسوزانند آزادی کامل خود بگردش در آورند.

چند سالی است زنان و دختران همین ماقهرمانانه و حتی سلاح بدست بانیره‌های اهریمنی مبارزه برخاسته اند. از زندان و شکنجه نصیبرسانند، حتی از ریختن خون خویش نیز دریغ ندارند. جنبش دموکراتیک خارج از کشور نیز شاهد این واقعیت است که دختران جوان که مبارزه جلب میشوند هیچ دست‌کمی از جوانان ندارند. این واقعیت نمیتواند مایه شادمانی نباشد. اما این نکته را نیز باید بخاطر سپرد که با جانبازی این یا آن قهرمان دردی از جامعه و انباشت فقط توده‌ها و از آنجمله توده زنان قادرند جامعه را از بیخ و بن بسوزانند و گرگون گردانند.

سازمان مادران روز ۸ مارس، روز همبستگی زنان جهان در مبارزه بخاطر آزادی و تساوی کامل حقوق زنان و دختران ایران ندانید که با شرکت خود در مبارزه بخاطر آزادی و استقلال، بخاطر رهائی از استثمار و ستم طبقاتی سهم خود را، سهمی که بدون آن پیروزی انقلاب و آزادی واقعی جامعه امکان پذیر نیست، ادانگند و بخاطر داشته باشند که فقط پیوستن به مبارزه طبقه کارگر میتواند برای آنها آزادی و تساوی واقعی به ارمغان آورد. سازمان ما بهیچ نیروهای انقلابی و بورژوازی بهیچ رفقای سازمانی و هواداران راه طبقه کارگر ندانید که در جلب زنان و دختران مبارزه هرگز غافل نمانند و در دفاع از آزادی و تساوی کامل حقوق زن از هیچ کوششی باز نمانند فرخنده باد ۸ مارس، روز همبستگی بین‌المللی زنان!

درود صمیمانه و برادرانه ما به زنان و دخترانی که بخاطر مبارزه با رژیم اهریمنی شاه در دست و رخیمان رژیم گرفتارند!

یعنی اکثریت قریب با اتفاق خلقهای ایران افزوده میشود. واقعیت تلخ جامعه ما بوجی ادعاهای رژیم دست نشانده محمد رضا شاه را ثابت میکند.

تحصیل چه مجانی باشد چه نباشد برای فرزند دهقان و کارگر نیست. بهداشت اصولا مجانی نیست تا چهره به آنکه خانواده دهقان و کارگر از آن بهره‌ای باشد. در ایران نه دهقان مالک شده است و نه کارگر سرمایه‌آور و نه هم در این مرز و بوم انسانها از گرسنگی می‌میرند و تعداد این افراد پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد فزونی یافته است.

همانگونه که یاد آور شد هم از یاد سرسام آورده او توسعه فقر از سیاست اقتصادی رژیم فلاکت بار کبود ناشی میشود که تمام نیروی مادی ایران را به منظور تامین سود کمیانبهای امپریالیستی بسیج کرده است و توده‌های وسیع کارگر و دهقان را در دام وحشیانه ترین استثمار بین‌المللی و داخلی به زنجیر کشیده است. مگر نه اینست که سرمایه‌های حاصل از فروش نفت که به تنهایی برای ایجاد کار و بهبود شرایط زندگی خلقهای ماکافیست، برای تقویت تراستهای بین‌المللی خرج میشود رژیم کودتا، بنا به ادعای خویش، بیش از شش میلیارد و هفتصد میلیون دلار به عنوان مختلف در راه ارضاء منافع امپریالیستی ملی غارتگر کشورهای مختلف خرج کرده است. ورق پاره‌های تبلیغاتی رژیم کودتا بیشتر مانده مینویسند که ایران (یعنی رژیم دست نشانده شاه) با پرداخت دو میلیارد دلار کمک دولت امپریالیستی انگلستان را نجات داده است. چه نفرت انگیزند کسانی که برای اکثریت هموطنان ما جز فقر، محرومیت و حقارت چیزی طلب نمیکنند.

فقر زائیده خواست خدایوندی نیست، به انجام کارها بدو خوب، به قلب پاک و ناپاک این ویان خرافاتی که از راه‌های مختلف به خلق ما تزریق میکنند ارتباطی ندارد. فقر هم چنان که مارکسیسم می‌آموزد، زائیده استثمار طبقه یا طبقاتی بدست طبقه یا طبقاتی دیگر است و فقط سرنگونی سلطه طبقات استثمارگر و حامیان امپریالیست آنها امکان خواهد داد که این فاجعه اجتماع ما خاتمه یابد.

مارکسیست - لنینیست‌های ایران که برجیدن هرگونه استثمار از جامعه ایران را هدف فغانی خود قرار داده‌اند بخوبی میدانند که فقرای جامعه امروزی امید و پشتوانه فرایند فردائی که با کوتاه کردن دست دشمنان از جان و مال خلق آغاز میشود و انوار خورشید آزادی راه نجات از فقر و محرومیت را برای همه محرومان جامعه امروزی ایران روشن خواهد کرد.

بیماری... بقیه از صغه" ظفار محکوم کنند و افکار عمومی و موج اعتراض عمومی را علیه این جنگ تجار و کارانه بود اخلعگرانه برانگیزند.

سربازان و افسران ایرانی بغیرمان شاهی دیوانه و جنایتکار بخاطر تاملین منافع دشمنان خلقها در از زمین و مکان خون خانوادگی خود جان خود را می‌بازند لکن آنها از این جنگ سرافکنده بیرون خواهند آمد. مرگی که هدف آن ربودن آزادی و استقلال خلقی است، افتخار آمیز نیست. آنکه در این بیگار خونین سر بلند است و از آن سر بلند بیرون خواهد آمد خلق ظفار است که سرانجام بر استعمار نوین و نوکران پست آن پیروز خواهد شد.

مرگ بر شاه آزادی کش. خانمان برانداز!

پیروز باد خلق قهرمان ظفار!

مظاهر فقر... بقیه از صغه" خود را از دست داده و با به طریقی دیگر از تولید سود اضافی عاجز است، برای تاملین زندگی "گدائی" میکند.

در اتوبوسها گاهی اوقات به دهقانان، شهرستانیها و یا بیمارانی برمیخوریم که به پول نیاز دارند و پس از نطق بلند به جمع آوری اعانه "مردم خیرخواه" مشغول میشوند.

نوازندگان آلات موسیقی در خیابانها نیز بطور انفرادی و یا دست جمعی به نواختن موسیقی و گدائی مشغولند.

خیابانهای تهران پر است از خرد سالانی که به کمک یک ترازو و کشیدن وزن افراد امرار معاش میکنند. بعضی از آنها برای جلب ترحم مردم و نشان دادن واقعیت سخت زندگی تحصیلی خود، تکالیف مدرسه را در کنار ترازوی خود انجام میدهند فحشا نیز از آن نوع بلاهایی است که متاسفانه سرعت در حال افزایش است. سابقا فقط چند خیابانی از خیابانهای تهران به حضور زنان خود فروش اختصاص داشت ولی اینک تقریبا در هر خیابان بر رفت و آمد میتوان حضور آنها را مشاهده کرد.

اگر در تهران از یک نقطه شهر به نقطه دیگر سفر می‌روید، در سر چهارراهها به نوع دیگری از فقر برمیخورید، به شیشمک کن‌ها که با پارچه کتفی که در دست دارند به سرعت به شیشه جلو اتومبیل حمله برده و بدون کسب اجازه به پاک کردن آن مشغول میشوند. البته اغلب اوقات فحش راننده ناآرامشها میشود و در غیر این صورت با دریافت چند ریالی به سراغ اتومبیل‌های دیگر می‌روند. در سر چهارراهها فروشندهگان سیگارهای خارجی و آدامس نیز فراوانند که برای فروش جنس خود از این اتومبیل به آن اتومبیل می‌روند و بهر حیل‌های متوسل میشوند.

ماشین پائی نیز نوع دیگری از ظاهرات فقر در تهران است؛ در خیابانها، میدانها و کوچه‌های تهران رنده پوشی به مواظبت از ماشین هائی که در گوشه و کنار خیابانها پارک میشوند مشغول است و در ازای آن به دریافت چند ریالی قناعت میکند. هر ماشین پائی برای خود "شکارگاه اختصاصی" دارد که دیگر ماشین پاهار به آن راهی نیست. برای رویت یکی دیگر از مثالهای دلخراش فقر یک روز صبح زود تراز معمول بر خیزید و در خیابانهای تهران قدم بزنید، اگر فصل سرما نباشد بامردمی رو برو خواهید شد که در گوشه و کنار خیابانها و یا در داخل مغزوبه بر روی خاک بدون هیچ رختخوابی در خوابند. گمان نبرید که اینان برای فرار از گرمای است که در کنار خیابان می‌خوابند نه! اکثریت این انسانها دهقانانی هستند که در نتیجه انقلاب ارضی شاهانه مجبورند برای یافتن لقمای نان به تهران بروی آورند. این دهقانان شرافتمند روزها را اگر کاری بنیابند بدان اشتغال داشته و شب‌ها ناچارند به گوشه خیابان پناه ببرند. از این گونه مثالها بسیار است.

گدائی عیان، فروش بلیط، آواز خوانی در اتوبوسها و خیابانها، فحشا، شیشه پاک کنی، وزن کشی، سیگار فروشی، آدامس فروشی، ماشین پائی... از انواع مختلف تظاهرات فقر در تهران است. تعداد آنها نسبت به چند سال پیش بطور سرسام آورده در تهران زیاد شده است. همه جا با هجوم فقرا، بالتماس و با تقاضاهای مکرر برای کسب لقمهای نان، سیگار، آدامس و یا بلیط عرضه میکنند. شیشه پاک میکنند و یا تقاضای چند ریالی پول میکنند.

بیگاری پنهان و فقر عیان فقط نمونه‌ای از فقر خلق ماست زیرا فقر به صورتهای دیگری چون امید می در خلق مارشده دواند و اقتضای وسیعی از کارگران و دهقانان و خرده بورژوازی شهرها در جنگال آن اسیرند و هر روز نیز بر وسعت این قشر بهیچیزان

عنوان مکاتبات
X.DR. GIOVANNA GRONDA
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی
X.DR. GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

اتحاد همه نیروهای انقلابی در مبارزه بخاطر پیروزی!

طبقه کارگر و رهائی زن

آزادی و تساوی حقوق زن انقلابی است که در وضع اجتماعی زن روی می دهد . چنین انقلابی با يك دستور بالا و آنهم از نماینده " سیاهترین طبقات ارتجاعی تحقق نمی پذیرد . انقلاب کارتوده ها است و آزادی و تساوی حقوق زن نیز ناگزیرشده . انقلابی است که بادست توده ها و بیقین با شرکت توده زنان انجام خواهد گرفت .

زن قرنهای است در اسارت بسر میبرد . قرنهای است جامعه به این خو گرفته است که زن را پائین تر از مرد و نابرابر با مرد بداند ؛ طبقات ارتجاعی نیز پیوسته به این افکار دامن میزنند و به آنها امید عمل میدهند . بورژوازی برای تحصیل سود بیشتراند بیشتر برابری زن را تبلیغ میکند تا در تولید برای کارسازوی زن دستمزدهای کمتری بپردازد . با چنین وضع و روحیه ای که در جامعه حکمفرما است تصویر اینکه باید دستور از بالا میتوان زن را از اسارت بیرون کشید و به وی حقوقی مساوی با مردان بخشید تصوری ابلهانه است .

تنزل مقام زن در جامعه از زمانی آغاز شد که مالکیت خصوصی پدید آمد و زن از شرکت در زندگی اقتصادی بازماند . " مرد فرماندهی را در خانه نیز دست آورد ، زن مقاض تنزل کرد و تحت انقیاد درآمد ، برده " هوسرانی مرد شد و به افزایش تولید فرزند تبدیل گردید (انگلس ، منشأ خانواده) . زن نه تنها برتری خود را بر مرد از دست داد بلکه از حقوق مساوی با مرد نیز محروم گردید .

وضع زن در جامعه معلول پیدایش مالکیت خصوصی و عدم شرکت زن در امور اجتماعی و بویژه در تولید اجتماعی است . روابط مالکیت تعیین کننده همه روابط اجتماعی دیگر و از آنجمله روابط خانوادگی میان مرد و زن و میان پدر و فرزند است . روشن است که برای پایان بخشیدن به این وضع نا بهنجار باید عامل بورژوازی آنرا از میان برداشت ، باید مالکیت خصوصی بر وسائل تولید را برانداخت و بر این اساس زن را از انقیاد مرد برآورد ، از هرگونه سستی رها کند . این یگانه راه رهائی زن است ، هر اقدام دیگر

در هر جا که باشد و کمتر از همه " فرمان ملوکانه " درباره تساوی حقوق زن نمیتواند واقعیت کنونی زن را در گروین سازد . برانداختن مالکیت خصوصی بر وسائل تولید رسالت تاریخی طبقه کارگر است . طبقه کارگر با انجام این رسالت تاریخی نه تنها آزادی خود بلکه آزادی تمام جامعه و از آنجمله آزادی کامل زن را تأمین خواهد کرد . از اینرو زنان و دختران میهن ما در مبارزه بخاطر آزادی خود باید به طبقه کارگر ایران بگروند ، در مبارزات سیاسی این طبقه بخاطر سرنگون ساختن رژیم شاه فعالانه دوش بدوش همزمان مرد شرکت جویند ؛ زنان و دختران ایران باید بدانند که آزادی زن بادست خود آنها و با شرکت آنها در مبارزه در کنار طبقه کارگر تأمین خواهد شد . هیچ راه دیگری به نتیجه مطلوب نخواهد انجامید . تمام کلمات دهان پرکن زمامداران کشورها و از آنجمله کشور ما درباره آزادی و تساوی حقوق زن ، تمام مساعی ایدئولوژیهای بورژوازی بخاطر کشانیدن مبارزه زنان براه های فرعی و انحرافی مقدسی جز در ساختن زن از هدف اصلی و حفظ و ادامه وضع موجود دنبال نمیکند ؛ توسل به " شوریهایی زیست شناسی و روان شناسی برای اثبات این امر که گویان در خصلت و سرشت خود با مرد متفاوت است و لذا وظائف خاصی پختن و زادن و تربیت فرزند ان برعهده " اوست بخاطر حفظ انقیاد زن و ادامه آنست .

توده زنان نیروی عظیمی است ، نیرویی که میتواند کوه را جابجا کند . زنان و دختران باید به نیروی خویش و عظمت آن پی ببرند ، امر آزادی خود را به مردان نسپارند ، در انتظار آید نمانند که مردان و جوانان بسوی آنان بشتابند و با سلاحها آنها را مبارزه دعوت کنند ؛ رفتار ناروای این بیان مرد ، این یا آن جوان نباید آنها را مایوس کند و از مبارزه بازدارد . زنان و دختران بخوبی قادرند در برابر دشواریها از خود استواری و پایداری نشان دهند ، آنها تنها بقیه در صفحه ۳

بیاری خلق ظفار برخیزیم

چندی پیش مقامات رسمی سلطان قابوس اعلام کردند که ایران ارتش خود را از عمان بیرون میبرد . این خبر که بدون هیچگونه تفسیری در مطبوعات ایران انتشار یافت یکی دیگر از دروغهای شاهانه بود که این بار از زبان مقام رسمی عمان به گوش میرسد . شاه نه تنها به اخله نظامی خود در عمان پایان نداد ، نه تنها ارتش خود را از این امارت فرانخواند بلکه تعقیب نفرت اهزای را از سه هزار به هیجده هزار رسانید و تجهیزات آنها را تقویت کرد .

نیروهای نظامی ایران از افرادی تعلیم یافته تشکیل میشوند که با سلاحهای مدرن مجهزند . بعلاوه شاه ایران از تلفات سربازان و افسران ایرانی بیخیال بود و راه نمیدهد و آنکه که در روحیه واحد های اهزای ضعف و سستی رخنه کند ، این واحدها به ایران باز میگردند و نفرت تازه نفس بجای آنها اهزام میشوند . در واقع خلق ظفار با تمام ارتش ایران در بیگانه است . نیروهای سلطان قابوس بنا بنوشته " تا میز مالی مرکب از يك ارتش ۱۴ هزار نفری است که داوطلبان انگلیسی را نیز در بر میگیرد .

ارتش ایران در کنار ارتش عمان مجهزه سلاح های مدرن همراه بانیری هوایی و دریایی ایران همه تحت فرماندهی افسران انگلیسی ، بیش از یکسال است که علیه خلق ظفاری جنگ طو دو ماه اخیر درگیریهایی سختی میان رزمندگان لیر ظفار و نفرت ارتش ایران روی داده است برای مقابل با هواپیماها ، هلیکوپترها و توپخانه سنگین ایران رزمندگان ظفار به جنگ تن به تن پرداختند و تلفات سنگینی بر سربازان و افسران ایرانی وارد آورده و میاورند . هفته نامه " پولیتیک هید و " در شماره ۱۶۰ مورخ ۳۰ ژانویه - فوریه اسناد دوتن از افسران ایرانی را یکسو سرگرد و دیگری سروان که در عمان جان خود را بخاطر مطامع پلید امپریالیسم از دست داده اند منتشر ساخته است . همین هفته نامه مینویسد : " بر طبق آخرین اخبار رسیده از بیروت ایرانی ها تاکنون کار مهمی انجام نداده اند ، فقط با هواپیماهای خود مناطق کاملی را ویران کرده اند . نیروهای کمکی جدیدی که به چندین هزار نفر تخمین زده میشود در جریان روزهای اخیر به سلاله پایتخت ظفار رسیده و بسوی میدانهای نبرد گسیل گردند . مقامات رسمی ایران بارها از " پیروزیهای خود در جنگ سخن گفته اند . در هفته اول بهمن ماه وارد یکر مطبوعات تهران نغمه " پیروزی سرد اند که بند ریویط را " از سلطه کونیست آزاد کردند " . در آنجا هم گویا افرادی رایافته اند که برای شاه و ارتش ایران طول عمر آرزو کنند که آنها را از کونیست های ظالم نجات داده اند ! " شاه که در ایران سراسر سال و هر روز بعنوانی مردم را از آره دعا و شاه شاهات ملوکانه " میکند اکنون دامن دعا و ثنا را از مرزهای ایران فراتر میبرد .

خلق ظفار در شرایط دشواری می جنگد ، در شرایط محاصره اقتصادی که حتی اورا از دریافت کمکهای پزشکی نیز محروم میسازد در شرایطی که هواپیماهای دشمن مزارع ، دامها ، منابع آب را نابود میکنند تا خلق ظفار از گرسنگی و بی آبی واداره تسلیم گردد علی رغم شرایط دشوار خلق قهرمان ظفار همچنان استوار و ثابت قدم علیه نیروی برتر میزند .

ما ایرانیان از وجهت وظیفه داریم که به دفاع از خلق ظفار برخیزیم ؛ نخست از اینجهت که خلقی برای آزادی و استقلال خود ، برای براندان استعمار خارجی و ارتجاع اخلی دست نشانده آن بهاخته و قهرمانانه می جنگند . این وظیفه انترناسیونالیستی همه نیروهای انقلابی ایرانی است که بدفاع از جنگ عادلانه وی برخیزند و هرگونه کمک مادی و معنوی که از آنها ساخته است بوی برسانند . سازمان ما از همان آغاز این وظیفه انترناسیونالیستی خود را انجام داده و همواره بدان وفادار مانده است ؛ دوم از اینجهت که رژیم فاشیست شاه در جنگ علیه ظفار نیروی اصلی را تشکیل میدهد . این وظیفه همه نیروهای انقلابی ایران است که جنگ پلید شاه را علیه خلق بقیه در صفحه ۳

درد به دانشجویان ایران

در ایران مبارزه دانشجویان دلیر که از یکی دو ماه پیش آغاز شده و روز ۱۶ آذر به تظاهرات وسیعی تبدیل گردید ، همچنان ادامه دارد . در ایران فشار و اختناق و فقر و نابسامانی آنچنان از حد گذشته که دیگر کسی را یاری تحمل آن نیست . زورگویی ، دزدی و فساد ، کمبود و گرانی مایحتاج زندگی ، فقدان مسکن و خوراک و بهداشت کینه و خشم همه طبقات را نسبت به رژیم اهریضی شاه برانگیخته است . این خشم و نفرت بدون ترس از زندان و شکنجه و مرگ ، به فریاد و تظاهرات عظیمی تبدیل میگردد . روز ۲۳ دی ماه در دانشگاه آریامهر بار دیگر دانشجویان به تظاهرات پرداختند ، ساختمان مجتهدی را با بمب درهم کوفتند و به آتش کشیدند . حمله پلیس و گارد دانشگاه مانند همیشه وحشیانه و مرگبار بود . یکی از دانشجویان در جریان درگیری شهید شد ؛ دیگری آنچنان جراحتی برداشت که یقین امکان سلامتی کامل برای او نیست ، عده بسیاری نیز ضرووب و مجروح گردیدند . یکبار دیگر نیروهای انتظامی شاه بجای آزادی برای دانشجویان سرکوبی و مرگ به ارمغان آوردند . دو باره نهالهائی که به آینده چشم دوخته بودند بدست دشیمان شاه از پای افتادند . مرگ بر شاه آدم کش !

تفر و بیزاری از رژیم شاه آنچنان عمیق است که انگیزه کوچکی کافی است برای آنکه شعله خشم مردم را برافروزد . در همین ماه دی ۱۰ نفر از دانشجویان که به کوه رفته بودند زیربمن میانند و جان می سپارند . دانشجویان برای یافتن اجساد آنها شب و روز به کاوش پرداختند ، سرانجام جسد پنج نفر از آنها را یافتند . در مجلس خستی که روز چهارشنبه ۲۵ دی در مسجد ارك برگزار شد دانشجویان دانشگاه علم و صنعت شرکت کردند و هنگام ترك مجلس ختم با شعارهای ضد رژیم بطرف پارک شهر سرازیر شدند ، تعداد آنها بتدریج فزونی گرفت . پلیس گارد که مانند دزدان در کین نشسته بود به آنها حمله ور شد . آنها متفرق شدند و دوباره در مقابل پارک شهر اجتماع کردند ، نزدیک باشگاه ورزشی شعبان بی مخ میان پلیس و تظاهر کنندگان درگیری روی داد در نتیجه تیراندازی پلیس دانشجویی بنام حمید خلیلی که گلوله به مغز او اصابت کرد شهید شد و مانند همیشه دستگیرها آغاز گردید .

روزنامه " اطلاعات مورخ ۲۶ دیماه تحت عنوان " چند ماجراجو به پاسپاتی حمله کردند " نوشت : " عصر دیروز عده ای در خیابان شاهپور دست به تظاهر و اخلال نظم زده به پاسبان پست محل حمله ور شده و باوی گلاویز میگردد . . . پاسبان بناچار دست به اسلحه برده و چند تیر هوایی شلیک میکند . در اثر این تیراندازی یکی از مهاجمین بشدت مجروح میشود . . . طبق اطلاع رسیده وضع مزاجی مردم که ناشی حمید خلیلی است رضایت بخش نیست " .

بدین ترتیب ظرف دیروز لاقل دوتن دانشجویان توسط پلیس و ما مورین سازمان امنیت با زندگی بدروم میگویند و عده " براتب بیشتری مجروح میگردد . شاهی که جز بضائع استثمارگران خارجی و داخلی نمی اندیشد اگر به رگبار مسلسل پناه نبرد چگونه خود را از خشم توده ها نجات دهد .

فعلا وضع دانشگاه ها توانایی است . در دانشگاه علم و صنعت دانشجویان امتحانات را تحریم کرده اند و دانشگاه در اشغال پلیس است .

شاه جنایتکار بیبوده می اندیشد که با کشتار کارگران دانشجویان و مبارزان میهن ما را به گورستان تبدیل خواهد کرد . تاریخ حوادث خونین دانشگاه های ایران از زمان استقرار رژیم کودتا شاهد این مدعا است . چه جوانان ارزنده ای که در مبارزه علیه رژیم بر خاک نیفتادند یا معلول نشده اند ؛ چه شکنجه هائی که در سیاه چالهای سازمان امنیت بر این جوانان رواند داشته اند ؛ اما جنبش دانشجویی میهن ما مانند موج آرامش پذیر نیست . مبارزه خلق های ایران علیه رژیم منفرخاندان پهلوی تا پیروزی نهائی ادامه خواهد یافت . هیچ نیروی قادر به جلوگیری از آن نیست .

افتخار بر دانشجویان شهید !
کامیاب باد پیکار دانشگاه های ایران علیه رژیم فاشیست شاه !
اتحاد ، مبارزه ، پیروزی !

شاه تبلیغات خود را توسعه میدهد، پیش از پیش او را افشاء کنیم